

جایگاه و نقش ولایت فقیه در

برپایی نماز جمعه*

□ محمد زروندی رحمانی^۱

چکیده

نماز جمعه در میان عبادات از اهمیت زیادی برخوردار است. شاهد مطلب، صدور حدود ۲۰۰ روایت و نیز رساله‌هایی است که درباره نماز جمعه نوشته شده است.

مباحث فقهی نماز جمعه، زیرمجموعه فقه سیاسی و حکومتی ارزیابی می‌شود؛ زیرا نماز جمعه در عصر غیبت، ارتباط وثیق با ولایت فقیه و حکومت دینی دارد.

این نوشته از میان بحث‌های متنوع پیرامون نماز جمعه، در پی تحقیق و تبیین نقش ولایت فقیه نسبت به نماز جمعه و پاسخ به این پرسش است که آیا امامت نماز جمعه در عصر غیبت از شئون و مناصب حکومت است یا نه؟ در این رابطه نتایجی به دست آمده است؛ از جمله اینکه منصب امامت جمعه از شئون امامت ائمه علیهم‌السلام است، نه منصب شخص امام علیه‌السلام؛ پس قابل تفویض است و ائمه علیهم‌السلام این

منصب را به نحو خاص و عام به دیگران واگذار کرده‌اند و راه حل تعارض میان نصب خاص و عام عبارت است از اینکه منصب خاص، ناظر به عصر مبسوط‌الید بودن ولی فقیه، و نصب عام ناظر به عصر مقبوض‌الید بودن فقهاست. در پایان ثابت شده است که ولی فقیه نسبت به نماز جمعه وظایفی دارد؛ از جمله اینکه باید تشکیلاتی را سامان دهد تا شناسایی، نصب، عزل و نظارت بر ائمه جمعه را بر عهده گیرد.

واژگان کلیدی: نماز جمعه، منصب، ولایت فقیه، وجوب تخیری، وجوب

عینی.

مقدمه

فقه ناب امامیه از منبع غنی وحی (کتاب) سر برآورده و از علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام سیراب گشته و به برکت تلاش و زحمات طاقت‌فرسای هزارساله فقها به بار نشسته است. از این رو، فقه شیعه واجد ویژگی‌هایی برجسته و بی‌نظیر، همچون عمیق و ریشه‌دار بودن، هماهنگی با فطرت، و پاسخ‌گویی است. یکی از ویژگی‌های فقه شیعه جامعیت آن است؛ به گونه‌ای که تمام ساحت‌های زندگی بشر، اعم از زندگی فردی و اجتماعی، عبادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد.

نماز جمعه از مهم‌ترین واجبات عبادی به شمار می‌آید که از ویژگی‌های کم‌نظیری برخوردار است؛ نماز جمعه مظهر و نماد درآمیختگی دنیا و آخرت، عبادت و سیاست، فرد و اجتماع است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، رسانه‌ای است که با وجود رسانه‌های پیشرفته امروزی، همچنان کارآمد و اثرگذار می‌باشد و با فاصله زیادی از دیگر رسانه‌ها، جلوتر و کم‌هزینه‌تر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳: ۲۹).

در برکات و ثمرات نماز جمعه همین بس که به باور امام خمینی، اگر برای انقلاب ثمره‌ای نبود مگر اقامه نماز جمعه، کار بزرگی انجام شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹:

۱۶/۱۲۳؛ محدثی، ۱۳۸۳: ۱۳).

احکام نماز جمعه در عصر غیبت از جهات مختلف اختلافی است تا آنجا که بعضی از فقها نماز جمعه را در عصر غیبت واجب عینی، و بعضی حرام شرعی دانسته‌اند. برای کثرت اقوال می‌توان عوامل مختلفی را برشمرد؛ از جمله «ابهام در جایگاه و نقش

ولایت فقیه در نماز جمعه».

این نوشته در پی تحقیق و تبیین نقش ولایت فقیه در نماز جمعه و پاسخ به این پرسش است که آیا امامت جمعه از شئون ولایت فقیه است یا نه؟ اهمیت این بحث هنگامی روشن می‌شود که بدانیم بیشتر فقهای معاصر، از جمله امام خمینی و مقام معظم رهبری بر این باورند که نماز جمعه در عصر غیبت واجب تخییری است. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که اگر نماز جمعه واجب تخییری است، دیگر چه نیازی به نصب و عزل ائمه جمعه از سوی ولی فقیه است. پس نماز جمعه از شئون ولی فقیه نخواهد بود. این نوشته متکفل پاسخ به این سؤال است.

تقریر محل نزاع

در رابطه با تقریر محل نزاع برای فهم بهتر مطلب، توجه به موارد زیر مفید است:

- ۱- در مورد نماز جمعه، مباحث زیادی اعم از فقهی و غیر فقهی مطرح است؛ مانند آثار آن و اقوال در مشروعیت و عدم مشروعیت آن.
- ۲- این جستار قصد ورود به مباحث فقهی، اختلافی و تکراری را ندارد، بلکه در پی پاسخ به این پرسش است که آیا ولایت فقیه در عصر غیبت نسبت به نماز جمعه وظیفه‌ای دارد یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا نسبت ولایت فقیه با نماز جمعه مانند نماز ظهر است که هیچ ارتباطی با ولایت فقیه ندارد و یا مانند جهاد ابتدایی است که از وظایف مختص امام معصوم علیه السلام است (مگر بر مبانی شاذ) و یا مانند نصب و عزل قاضی است که از شئون ولایت و حکومت دینی است؟
- ۳- اگر در این نوشته بحث از وجوب تعیینی، تخییری و دیگر مباحث مصطلح فقهی می‌شود، در حلی است که با موضوع مقاله ارتباط دارد و از باب مقدمه است. این پژوهش در ضمن شش گفتار ارائه می‌شود.

گفتار اول: دیدگاه‌ها درباره ارتباط منصب امامت جمعه با ولایت فقیه

اختلاف در نقش ولایت فقیه نسبت به منصب امامت جمعه، ناشی از اختلاف در این امر است که آیا اقامه نماز جمعه از مصادیق شئون و وظایف امام معصوم علیه السلام است

یا نه؟ در صورت اول، آیا از شئون امام علیه السلام است و یا از شئون امامت و شخصیت حقوقی امام علیه السلام؟ در صورت دوم، آیا این شأن و وظیفه به مکلفان در عصر غیبت نیز واگذار شده است یا نه؟ در حالت اول از صورت دوم، آیا به نحو عام اذن داده‌اند یا به نحو خاص و فقط به فقهای جامع شرایط؟

بدیهی است که فقها در مقام پاسخ به این پرسش‌ها اختلاف نظر دارند؛ در نتیجه اقوال نیز متعدد خواهد بود.

از مجموع کلمات فقها، دو نظریه محوری به دست می‌آید:

الف) عدم ارتباط ولایت فقیه با منصب امامت جمعه

از میان فقها، سه گروه قائل به این نظریه هستند:

۱- فقهایی که امامت جمعه را منصب و وظیفه شخص امام معصوم علیه السلام می‌شمارند. لازمه این قول، حرمت نماز جمعه در عصر غیبت است. بنابراین نقش ولایت فقیه در نماز جمعه منتفی به اتفای موضوع است.

۲- فقهایی که نماز جمعه را در عصر غیبت واجب عینی می‌دانند.

۳- فقهایی که قائل‌اند هرچند امامت جمعه از شئون امامت است نه از شئون امام، ولیکن در عصر غیبت به همه مکلفان اذن عام داده‌اند که نماز جمعه را اقامه کنند. نتیجه این باور هم عدم ارتباط است.

ب) ارتباط ولایت فقیه با منصب امامت جمعه

این نظریه کسانی است که قائل‌اند امامت جمعه از شئون امامت و شخصیت حقوقی ائمه علیهم السلام است و آنان در عصر غیبت به فقهای جامع شرایط، اذن خاص برای تصدی امامت جمعه داده‌اند. صاحبان این نظریه به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: کسانی که معتقدند نقش ولایت فقیه از دو حیث است:

۱. نصب امام جمعه، به گونه‌ای که نماز جمعه امام غیر منصوب باطل است.

۲. وجوب تشکیل نهادی که متکفل امور مختلف نماز جمعه است.

گروه دوم: کسانی هستند که نقش ولایت فقیه را در نماز جمعه از حیث دوم می‌پذیرند

و حیث اول را نیز قبول دارند، ولی نماز جمعه امام غیر منصوب را باطل نمی‌دانند، مگر

آنکه مصداق عناوین ثانوی قرار گیرد. پس در مجموع در مسئله سه قول است.

گفتار دوم: ادله منکران منصب و نقد آنها

برخی از فقها بر این باورند که ادله دلالت دارند بر وجوب عینی نماز جمعه حتی در عصر غیبت مطلقاً؛ اعم از اینکه ائمه علیهم‌السلام اذن داده باشند یا اذن نداده باشند. لازمه این قول آن است که امامت جمعه از شئون و مناصب ائمه علیهم‌السلام نیست؛ نه منصب خاص و نه منصب عام (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۴۱۸: ۱۴۴؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۲۱؛ فخرالمحققین حلّی، ۱۳۸۷: ۱۱۹/۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۱۸۷؛ حسن بن زین‌الدین عاملی جبعی، به نقل از: بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۸۹/۹؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۰: ۸/۴). بیشتر فقهای اخباری مسلک نیز بر این باورند. بنابراین نماز جمعه در هر مکان و هر زمان واجب عینی است (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۵۵/۹).

برخی از مهم‌ترین ادله این قول عبارت‌اند از:

الف) کتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا دُعِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ (جمعه / ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه برای نماز جمعه ندا داده شد، به سوی خدا بشتابید و دادوستد را واگذارید.

تقریب دلالت: دلالت آیه بر وجوب با توجه به چند نکته روشن می‌شود:

۱. خداوند از ایام هفته روز جمعه را ذکر کرده است، پس معلوم می‌شود که مقصود از «ذکر الله»، «صلاة الجمعة» است.
۲. مفهوم «فاسعوا» وجوب است؛ زیرا امر به ویژه اوامر قرآنی، ظهور در وجوب دارند (همان: ۳۹۸/۹).
۳. خطاب «فاسعوا» عام است و شامل هر مکلفی در هر مکان و زمانی از جمله عصر غیبت می‌شود.

بر این استدلال اشکالاتی شده است؛ از جمله:

اشکال اول: بر فرض قبول دلالت، آیه به نحو قضیه شرطیه، دلالت بر وجوب دارد.

بنابراین وجوب سعی، مشروط به ندا و اقامه جمعه است؛ در حالی که مدعا عبارت است از وجوب جمعه مطلقاً قبل و بعد از ندا و اقامه.

مؤید این اشکال آن است که در آیه آخر، ترک صلاة جمعه با وصف اقامه مورد مذمت واقع شده است و جمله «تَرْكُوكُمْ قَائِمًا» دلالت دارد بر اینکه در هنگام اقامه جمعه توسط رسول خدا ﷺ مردم حضرت را رها می‌کنند. پس دلیل اخص از مدعاست.

اشکال دوم: دلالت آیه بر وجوب تعیینی در صورتی تمام است که مقصود از «ذکر الله» «صلاة الجمعة» باشد، نه خطبه‌ها؛ در حالی که در مورد آیه، مقصود از «ذکر الله» خطبه‌هاست، زیرا مدلول «فاسعوا» حرکت سریع است و از طرفی تسریع برای شرکت در نماز جمعه واجب نیست، چون اجماع داریم که تأخیر در شرکت در نماز جمعه تا قبل از رکوع اول امام جایز است، پس از باب قاعده مناسبت حکم و موضوع، مقصود از «ذکر الله» خطبه‌هاست نه دو رکعت نماز جمعه.

اشکال: طبق نظر کسانی که استماع خطبه‌ها را واجب نمی‌دانند، مقصود از «ذکر الله» خطبه‌ها نیست.

جواب: این اشکال سبب می‌شود که «فاسعوا» حمل بر استحباب شود. شاهد بر این مطلب، کلمه «خیر» است که با استحباب تناسب دارد؛ زیرا در جای خودش ثابت شده که کلمه «خیر» به ویژه اگر با «فی» متعدی شود، در مقابل «شر» نیست، بلکه به معنای «أحسن» است؛ مانند آیه «وَلَا آخِزْتُمْ خَيْرَ لَكُمُ الْأُولَى» (ضحی / ۴).

این قرینه نه تنها سبب می‌شود که استماع خطبه‌های مستحب باشد، بلکه قرینه می‌شود بر اینکه اگر مقصود از «ذکر الله»، «صلاة الجمعة» باشد، شرکت در آن مستحب باشد نه واجب (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۷/۱۱).

اشکالات دیگری به دلالت آیه بر مدعای وجوب اقامه نماز جمعه در عصر غیبت وارد است که بیان آن‌ها از حوصله این نوشته خارج است؛ از جمله

- استدلال به آیه با شأن نزول منافات دارد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۷۷/۱۹).

- با روایاتی که «ذکر الله» را به امور مستحبی در روز جمعه مانند ناخن گرفتن و

غسل و استعمال بوی خوش تفسیر کرده‌اند، منافات دارد (همان: ۲۷۶/۱۹).

- با حمل مدلول آیه بر ارشاد به حکم عقل منافات دارد.

به آیات دیگری همچون آیه ۲۳۸ سوره بقره نیز بر وجوب تعیینی نماز جمعه استدلال شده است که از طرح آن خودداری می‌شود.

ب) سنت

تمام روایاتی که دلالت بر وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت دارند، به دلالت التزامی دلالت بر نفی منصب بودن امامت جمعه برای ائمه علیهم‌السلام دارند. آیه‌الله خویی در این باره سه نکته را یادآور شده است: ۱- برخی از فقها شماره روایات را تا ۲۰۰ عدد ذکر کرده‌اند. ۲- ادعای تواتر هرچند اجمالی بعید نیست؛ به این معنا که جزم به صدور بعضی از آن‌ها از معصوم هست. ۳- صرف نظر از ادعای تواتر، بعضی از این روایات موثقه و یا صحیحه هستند. پس نیاز به بحث سندی نداریم (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۸/۱۱). چون این روایات زیاد هستند و بیشتر آن‌ها از نظر مضمون و مدلول، وحدت سیاق دارند، به نقل سه روایت که از نظر سند صحیحه‌اند، بسنده می‌شود.

۱. صحیحه ابوبصیر و محمد بن مسلم به نقل از امام صادق علیه‌السلام:

«إِنَّ اللَّهَ يَكْفِي كُلَّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً، مِنْهَا صَلَاةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَشْهَدَهَا إِلَّا خَمْسَةً: الْمَرِيضُ، وَالْمَمْلُوكُ، وَالْمَسَافِرُ، وَالْمَرْأَةُ، وَالصَّبِيُّ» (حرز عاملی، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۷، باب ۱، ح ۱۴)؛ خداوند در هر هفت روز، سی و پنج نماز را واجب کرده است؛ از جمله آن‌ها نمازی است که بر هر مسلمانی شرکت در آن واجب است، مگر پنج گروه: مریض، مملوک، مسافر، زن و کودک.

۲. صحیحه زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام:

«تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى كُلِّ مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى فَرَسَخَيْنِ» (همان: ۳۰۹/۷، باب ۴، ح ۵)؛ نماز جمعه بر هر کسی در محدوده دو فرسخی محل اقامه نماز باشد، واجب است.

تقریب دلالت: کلمه «کُلِّ» در این دو روایت صحیحه، دلالت بر عموم افرادی و عموم ازمائی دارد؛ پس شامل عصر حضور و غیبت می‌شود.

۳. صحیحه زراره از امام باقر علیه‌السلام:

«صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ، وَالْاجْتِمَاعُ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ، فَإِنْ تَرَكَ رَجُلٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ ثَلَاثَ جُمُعٍ، فَقَدْ تَرَكَ ثَلَاثَ فَرَائِضَ، وَلَا يَدْعُ ثَلَاثَ فَرَائِضَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ إِلَّا مَنَافِقٌ» (همان: ۲۹۷/۷، باب ۱، ح ۸)؛ نماز جمعه واجب است و جمع شدن در نماز جمعه با

امام واجب است. بنابراین اگر شخصی بدون عذر سه نماز جمعه را ترک کند، سه واجب را ترک کرده است و کسی سه واجب را بدون عذر ترک نمی‌کند مگر منافق.

تقریب دلالت: به این است که کلمه امام را اعم از امام معصوم و امام جماعت بدانیم؛ در این صورت اگر نگوییم روایت صریح است، دست کم در وجوب تعیینی جمعه مطلقاً حتی در عصر غیبت ظهور دارد.

نتیجه: در صورت تمام بودن دلالت روایات، باید بپذیریم که به دلالت التزامی، دلالت بر نفی منصب بودن امامت جمعه برای ائمه علیهم‌السلام دارند.

به جرئت می‌توان گفت که روایات فوق، بهترین روایات برای اثبات نفی منصب بودن امامت جمعه هستند و نتیجه آن‌ها، وجوب عینی در عصر غیبت است و چون این روایات، اولاً: از سند صحیح هستند، ثانیاً: دلالت آن‌ها فی الجمله بر اصل بودن مشروعیت و وجوب عینی در عصر غیبت قابل انکار نیست، ثالثاً: نسبت به دیگر روایات اشکال کمتری به آن‌ها وارد است، رابعاً: بیشتر قائلان به وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت به این روایات استدلال کرده‌اند، خامساً: اکثر اشکالات وارد بر آن‌ها با روایات دیگر مشترک است، از این رو با نقد و بررسی این روایات، از نقد و بررسی روایات دیگر بی‌نیاز می‌شویم.

اشکال اول: روایات مذکور بر دو امر دلالت دارند: الف- وجوب و یا جواز به معنای اعم از وجوب، و رجحان نماز جمعه در عصر غیبت، در مقابل حرمت و عدم مشروعیت؛ ب- تعیینی بودن وجوب نماز جمعه در عصر غیبت. دلالت روایت بر امر اول، صریح و انکارناپذیر است، و اما دلالت روایات بر امر دوم، به عموم و اطلاق است و در اصول ثابت شده که حجیت عموم و اطلاق، مشروط به عدم قیام قرینه بر تخصیص و تقیید است و در مورد بحث، قرائن مختلفی وجود دارد که هر یک می‌تواند تخصیص و یا تقیید مستقلی نسبت به نفی تعیینی بودن وجوب در عصر غیبت باشد، از جمله اینکه التزام به تعیینی بودن وجوب نماز جمعه در عصر غیبت، مستلزم لوازم باطلی است که هیچ فقیهی به آن‌ها ملتزم نیست؛ از باب مثال:

۱- اگر نماز جمعه وجوب تعیینی دارد، چرا مانند نمازهای یومیه آشکار و روشن نیست؛ به گونه‌ای که اگر تعداد نمازهای واجب از متدینان پرسیده شود، وجوب جمعه

مورد غفلت قرار می‌گیرد.

۲- اگر نماز جمعه واجب تعیینی است، چرا با توجه به اینکه مورد ابتلا بوده، بیشتر فقهای گذشته و معاصر فتوا به وجوب نداده‌اند، بلکه برخی فتوا به حرمت در عصر غیبت داده‌اند، حتی فقهای که همین روایات مورد استدلال را نقل کرده‌اند، با این وصف، ادعای اجماع بر عدم وجوب تعیینی کرده‌اند که نام بعضی از آن‌ها در مبحث منکران منصب گذشت و به تعبیر فقها «لو کان لبان».

۳- اگر نماز جمعه واجب تعیینی است، ترک آن موجب فسق است؛ پس باید بیشتر متشرعه بلکه فقهای بزرگ، متجاهر به فسق و مرتکب گناه باشند. آیا قائلان به تعیینی بودن وجوب جمعه در عصر غیبت، ملتزم به این تالی فاسدها می‌شوند؟

اشکال دوم: ممکن است گفته شود که فتوای بیشتر فقها در طول تاریخ فقه بر عدم وجوب تعیینی در عصر غیبت، کاشف از ادعای اجماع از سوی عده‌ای بر عدم وجوب تعیینی است؛ بلکه فتوا به حرمت نماز جمعه در عصر غیبت، کاشف از این است که مشهور فقها از عمل به این روایات از حیث دلالت بر وجوب تعیینی اعراض کرده‌اند.

اشکال سوم: تعارض روایات دال بر وجوب تعیینی، با روایاتی که دلالت دارند بر اینکه اقامه جمعه از شئون امام و از مناصب خاص است؛ زیرا هر دو دسته در دلالت یکسان‌اند. در نتیجه نماز جمعه در عصر غیبت نه تنها واجب تعیینی نیست، بلکه غیر مشروع است. پس از تعارض و تساقط، برائت از وجوب تعیینی جاری می‌شود.

نتیجه: ادله مورد استدلال، برای اثبات وجوب تعیینی که نتیجه‌اش نفی قول به نصب است، کافی نیست.

گفتار سوم: ادله منصب خاص و نقد آن‌ها

برخی از فقها بر این باورند که منصب امامت جمعه از مناصب مختص امام معصوم علیه السلام است؛ از این رو، شرط وجوب و مشروعیت، حضور معصوم و یا نایب خاص آن حضرت است. ثمره فقهی این باور آن است که نماز جمعه در عصر غیبت مشروع نیست و به عبارت دیگر حرام است.

برای نمونه، سلار دیلمی بر این باور است که نماز جمعه به شرط حضور امام الاصل

(معصوم) یا نایب خاص او واجب است (۱۴۱۴: ۷۷) و در جای دیگر تصریح می‌کند که اقامه نماز عید فطر و قربان و طلب باران در عصر غیبت برای فقها جایز است، ولی امامت جمعه جایز نیست (همان: ۲۶۴).

پس از وی ابن ادریس حلی می‌نویسد که اقامه جمعه در عصر غیبت جایز نیست؛ زیرا نماز جمعه جز با حضور امام معصوم و یا مأذون از سوی امام منعقد نمی‌شود (۱۴۱۰: ۱/۲۹۰).

افزون بر فقهای یادشده، فقهای دیگری نیز این نظریه را پذیرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲/۲۴۳؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۵/۶؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۴: ۴/۳۲).

از فقهای معاصر نیز می‌توان به آیه‌الله بروجردی اشاره کرد. ایشان پس از تصریح به اینکه نماز جمعه مشروط به حضور امام معصوم و یا منصوب ایشان است، در مقام استدلال می‌فرماید: منصب امامت جمعه از وظایف و مناصب امام علیه السلام است و در اختیار هر شخصی نیست و قدمای از فقها نیز به این مطلب فتوا داده‌اند. بنابراین مشروعیت اقامه جمعه در عصر غیبت، نیازمند اثبات ترخیص و اذن ائمه است، در غیر این صورت، مقتضای اصل عملی عدم مشروعیت است (طباطبایی بروجردی، ۱۳۶۲).

آنچه اهمیت دارد، بررسی ادله این نظریه است؛ هرچند بطلان این مبنا که نتیجه‌اش عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت است، از مباحث قبل روشن است، زیرا ادله دال بر وجوب تعیینی دو حیث داشت: ۱- وجوب، ۲- تعیینی بودن وجوب.

نتیجه اشکالات بر وجوب تعیینی این شد که ادله نسبت به حیث دوم تقید می‌شود، ولی نسبت به حیث اصل مشروعیت، به قوت خودش باقی است، ولیکن جهت تأکید و ابرام مطلب، به طور اجمال به ادله و نقد آن‌ها اشاره می‌شود.

مهم‌ترین ادله قائلان نصب خاص عبارت‌اند از:

الف) روایات

بر اساس دسته‌ای از روایات، نماز جمعه بر کسانی که بیش از دو فرسخ با محل اقامه نماز جمعه فاصله دارند، واجب نیست؛ از جمله صحیحۀ دوم زراره (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰۹/۲، باب ۴، ح ۵).

متن و نحوه دلالت حدیث پیش از این گذشت و تکرار نمی‌شود. نیز بر پایه برخی دیگر از روایات، نماز جمعه بر ساکنان روستاها واجب نیست؛ از جمله صحیحہ فضل بن عبدالمملک (همان: ۳۰۶/۲، باب ۳، ح ۲۰۱). متن حدیث و نحوه دلالت گذشت و تکرار نمی‌شود. پر واضح است که مدلول التزامی هر یک از این دو دسته از روایات، عبارت است از اینکه صحت نماز جمعه مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام یا نائب خاص اوست، وگرنه وجهی برای سقوط وجوب از اهالی روستا و یا اهالی شهری که بیش از دو فرسخ فاصله دارند، وجود ندارد؛ زیرا شرایط دیگر نماز جمعه مثل عدد و کسی که بتواند حداقل خطبه واجب را بخواند، حاصل می‌شود.

جواب: نسبت به نماز جمعه دو مرحله و مقام متصور است: الف- مرحله قبل از انعقاد و تشکیل نماز جمعه با شرایط، ب- مرحله بعد از انعقاد و تشکیل. این روایات ناظر است به اینکه بعد از تشکیل نماز جمعه، حضور بر اهالی روستا و کسانی که بیش از دو فرسخ فاصله دارند، واجب نیست، و در مقام بیان حکم اقامه نماز جمعه ابتدائاً نیست تا نتیجه‌گیری شود که چون به امام معصوم و یا مأذون خاصش دسترسی نداریم، تشکیل واجب نیست. به عبارت دیگر گفته شود که چون شرط تحقق نماز جمعه که حضور امام و یا نایب خاص اوست، منتفی است، پس مشروط (یعنی وجوب) نیز منتفی است. شاهد بر این مطلب، قرائن داخلی و خارجی است؛ از جمله اینکه در برخی از روایات مثل صحیحہ منصور آمده است:

«عن أبي عبد الله عليه السلام: الجمعة واجبة على كل أحد لا يعذر الناس فيها إلا خمسة: المرأة والمملوك والمسافر والمريض والصبي» (همان: ۳۰/۷، باب ۱، ح ۱۶).

استثنای این گروه‌ها از جمله مسافر، قرینه است بر اینکه آنچه از این‌ها ساقط شده است، وجوب حضور است نه اصل مشروعیت؛ زیرا بلاشک حضور این گروه (مسافر) جایز و مشروع، بلکه راجح و مستحب است، پس استثنای ساکنان روستا و کسانی که بیش از دو فرسخ فاصله دارند نیز نسبت به حضور است، نه اصل وجوب و مشروعیت. به عبارت دیگر، روایات در مقام امتنان و ارفاق است نسبت به نفی وجوب حضور، نه نفی مشروعیت؛ به گونه‌ای که اگر شرکت کردند باطل باشد.

شاهد دیگر: استثنا در مورد این روایات متصل است و استثنای متصل فرع بر این

است که در اصل حکم اشتراک وجود داشته باشد. پس در اصل وجوب نماز جمعه شریک‌اند و با این روایات تخصیص خورده‌اند.

ب) سیره رسول خدا ﷺ

برخی از فقها برای اثبات منصب خاص بودن امامت جمعه، به سیره رسول الله ﷺ تمسک کرده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی در این باره فرموده است: از عصر نبی گرامی اسلام تا عصر حاضر، نماز جمعه را جز خلفای امراء و متولیان نماز جمعه اقامه نکرده‌اند. ایشان سپس چنین نتیجه می‌گیرد که معلوم می‌شود نماز جمعه منصب خاصی است که شرط صحت آن حضور امام معصوم است (۱۴۱۳: ۱/۶۲۶).

از فقهای معاصر، آیه‌الله بروجردی بر این باور است که امامت جمعه منصب خاص امام معصوم است. مهم‌ترین دلیل ایشان سیره است و در این رابطه نکاتی را بیان می‌کند. ۱- نکته تاریخی که به منزله قرینه متصله برای تفسیر روایات است، عبارت است از اینکه رسول خدا ﷺ خودش اقامه جمعه می‌کرد. بعد از ایشان خلفا و امراء اقامه جمعه می‌کردند. در عصر امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود حضرت اقامه جمعه می‌کرد و افراد مشخصی را برای امامت جمعه نصب می‌کرد و شنیده نشده که جز افراد منصوب، کس دیگری بدون اذن اقامه جمعه کند.

۲- سیره خلفای غیر راشدین اعم از اموی و عباسی نیز امامت جمعه توسط خودشان و یا منصوب خاصشان بود.

۳- این سیره موجب شد که مسلمانان حتی شاگردان ائمه (علیهم السلام) نیز تلقی کنند که امامت جمعه منصب خاص است.

۴- این سیره در میان شیعیان رواج یافت تا آنجا که در عصر صفویه، افرادی را به عنوان امام جمعه نصب می‌کردند و به همین جهت در هر شهری، فردی ملقب به امام جمعه، و مسجد نیز معروف به مسجد جمعه می‌شد.

پرواضح است که این سیره، کاشف از این است که امامت جمعه منصب خاص ائمه (علیهم السلام) بوده است (طباطبایی بروجردی، ۱۳۶۲: ۶).

اشکال: این استدلال نه تنها مثبت نصب خاص نیست، بلکه برعکس دلالت

دارد بر اینکه امامت جمعه، منصب عنوان امامت است نه منصب شخص امام؛ توضیح اینکه:

اولاً: اقامه شدن نماز جمعه توسط رسول خدا و ائمه علیهم السلام و یا منصوبان ایشان منافات ندارد با اینکه نماز جمعه منصب امامت و شخصیت حقوقی ائمه علیهم السلام باشد. ثانیاً: استمرار سیره و نصب ائمه جمعه در عصر غیبت توسط حاکمان اعم از ظالم و عادل، کاشف از این است که منصب امامت بوده و در عصر غیبت به آنان منتقل شده است و اگر منصب خاص باشد، آنان حق نصب نداشته‌اند. اشکال: نصب حاکمان ظالم در عصر غیبت اعتبار ندارد تا کاشف از منصب عام ائمه علیهم السلام باشد.

جواب: اولاً: همه حاکمان ظالم نبوده‌اند، بلکه برخی، از علما و فقها بوده‌اند؛ مانند مجلسی. ثانیاً: منصوب حاکمان ظالم، علما و فقهای مورد اعتماد مردم بوده‌اند و مردم به آن‌ها اقتدا می‌کرده‌اند.

خلاصه مطلب: ما قبول داریم که امامت جمعه منصب حکومتی است، ولی قبول نداریم که منصب مختص شخص امام علیه السلام باشد؛ بلکه منصب امامت و شخصیت حقوقی امام علیه السلام است.

ج) اجماع

برخی از فقها ادعای اجماع کرده‌اند بر اینکه امامت جمعه منصب خاص امام است (همان: ۳۴).

اشکال: اولاً ادعای اجماع در مسئله‌ای که معرکه آراء است و قول به وجوب تعیینی در برابر قول به حرمت شرعی داریم، بسیار مشکل است و اشکال صغروی دارد. ثانیاً: بر فرض قبول صغرای اجماع، از نظر کبری اگر نگوییم قطعاً مدرکی است، احتمال مدرکی بودن آن هست؛ زیرا دست کم در این مسئله افزون بر آیات، روایاتی داریم که مدرک مجمعین است.

گفتار چهارم: منصب عام بودن امامت جمعه و ادله آن

پس از نقد ادله نافی منصب بودن امامت جمعه برای ائمه علیهم‌السلام و نیز نقد منصب خاص بودن، به طور قهری نظریه منصب عام بودن ثابت می‌شود و نیازی به استدلال نیست. با این وصف، به برخی از ادله این نظریه نیز اشاره می‌شود:

دلیل اول: از روایات مختلف که ابعاد نماز جمعه را تبیین می‌کنند، استفاده می‌شود که امامت جمعه، منصب سیاسی برای امام‌المسلمین اعم از امام معصوم علیه‌السلام و فقیه جامع شرایط است؛ از باب نمونه حضرت رضا علیه‌السلام در مقام فلسفه وجودی نماز جمعه می‌فرماید:

«لأنَّ الجمعة مشهد عامٌّ فأراد أن يكون للأمر سبب إلى موعظتهم وترغيبهم في الطاعة وترهيبهم من المعصية، وتوقيفهم على ما أراد من مصلحة دينهم ودنياهم، ويخبرهم بما ورد عليهم من الآفاق [و] من الأحوال التي لهم فيها المضرة والمنفعة» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰/۵).

بر اساس این روایت، نماز جمعه اجتماع سیاسی است برای اینکه حاکمان اخبار و گزارش‌های بلاد اسلامی را بیان کنند و مردم را نسبت به مصالح دنیا و آخرت آگاه سازند و آن‌ها را به اطاعت خدا ترغیب نمایند و از معصیت خدا پرهیز دهند.

هر یک از این امور قرینه می‌شود بر ظهور روایت در اینکه نماز جمعه منصب سیاسی برای امام‌المسلمین است. از این رو، روایت و همانند آن، که بسیار است، دلالت دارد بر اینکه امامت جمعه منصب امامت و حکومت است، نه منصب شخص امام معصوم علیه‌السلام.

دلیل دوم: ادله نیابت و ولایت فقیه در عصر غیبت دلالت دارد بر اینکه آنچه برای شخصیت حقوقی و مقام امامت ثابت است، برای فقهای جامع‌الشرائط نیز ثابت می‌باشد، مگر مواردی که دلیل خاص داشته باشد.

دلیل بر این مطلب، ادله ولایت فقیه است که در جای خودش به تفصیل بحث شده و طرح آن خارج از حوصله این نوشته است.

ادله دیگری همچون مناسبت حکم و موضوع نیز برای اثبات منصب عام بودن هست که نیازی به طرح آن‌ها نیست.

نتیجه: پس از نقد ادله نافی منصب و نیز رد ادله منصب خاص و اثبات منصب عام، نوبت می‌رسد به این بحث که آیا ائمه علیهم‌السلام نسبت به این منصب عام اذن داده‌اند یا نه؟ و اگر اذن داده‌اند، آیا اذن خاص بوده است یا عام؟

گفتار پنجم: ادله اذن خاص

دلیل اول: بر اساس برخی روایات، ائمه علیهم‌السلام بعضی از شاگردان خاص را که به منزله فقهای عصر غیبت محسوب می‌شدند، تشویق و ترغیب به اقامه جمعه می‌کردند. بلکه گاهی آن‌ها را نسبت به ترک نماز جمعه توبیخ می‌کردند؛ از جمله:

«موثقة عبد الملك، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال: مثلک یهلك ولم یصل فريضة فرضها الله، قال: قلت: كيف أصنع؟ قال: صلوا جماعة یعنی صلاة الجمعة» (همان: ۳۰۹/۷، باب ۵، ح ۲).

به همین مضمون است صحیح زرارہ (همان: ح ۱).

تقریر دلالت: روایت دلالت دارد بر اینکه حضرت علیه السلام به عبدالمملک برادر زرارہ که از اجلاء اصحاب امام صادق علیه السلام بوده، اجازه داده است که نماز جمعه بخواند. توضیح اینکه بی‌گمان مقصود از فريضه در کلام امام، نماز جمعه است؛ زیرا این احتمال که عبدالمملک تارک نماز ظهر باشد، منتفی است و این احتمال که مقصود امام از جمله «صلوا جماعة»، شرکت در نماز جمعه اهل سنت باشد نیز ضعیف است، چون خطاب به خود عبدالمملک است که جماعت را اقامه کند یا در جماعت شیعیان شرکت کند که باز هم دلالت بر منصب خاص دارد.

این مطلب در صحیح زرارہ واضح‌تر است؛ چون زرارہ پس از ترغیب و تشویق امام می‌پرسد آیا فردا که جمعه است، برای اقامه جمعه، محضر شما شرفیاب شوم؟ امام می‌فرماید: «لا، إنما عَيِّتُ عندکم»، یعنی خود شما جماعت را برگزار کنید. بنابراین هرچند احتمالات مختلفی نسبت به این دو روایت داده شده است، ولی با قرائن داخلی و خارجی، احتمال صحیح عبارت است از اذن امام علیه السلام به زرارہ و برادرش برای اقامه جمعه به امامت خودشان یا امثال خودشان.

دلیل دوم: ممکن است طبق قاعدهٔ مناسبت حکم و موضوع، بگوییم که اجازه عام

در عصر غیبت صحیح نیست، بلکه بر اساس مقدمات زیر، باید اذن خاص باشد:
۱- یکی از اهداف مهم نماز جمعه که در روایات نیز به آن اشاره شده است، این است که نماز جمعه محور وحدت واقع شود و مانع تفرقه مسلمانان باشد.

۲- نماز جمعه مثل دیگر نمازهای یومیه نیست که هر کس بتواند با جمعیت کم در هر مکانی اقامه کند؛ بلکه یکی از شرایطش آن است که کمتر از پنج نفر نباشد و دیگر آنکه در شعاع و فاصله دو فرسخ و بیشتر از نماز جمعه دیگر باشد.

۳- امامت جمعه، مقام و منصب اجتماعی، سیاسی و عبادی محسوب می‌شده و از این رو، منصب امامت ائمه علیهم‌السلام به شمار می‌آمده است. بنابراین اگر ائمه آن را به نحو اذن عام اجازه می‌دادند، راغب زیادی پیدا می‌کرد و هر کس با داشتن حداقل شرایط، مدعی امامت جمعه می‌شد که این امر، با مقام و جایگاه امامت جمعه منافات دارد.

۴- نتیجه تنافس و علاقه‌مندی افراد، موجب اختلاف و درگیری خواهد شد و آثار منفی زیادی را در پی خواهد داشت. وحید بهبهانی پس از ذکر مواردی از آثار منفی شوق و علاقه به امامت جمعه و همانند آن می‌فرماید:

«فجمع ما ذکر یرید اعتبار النصب والتعین ویقوّمه علی یقین، بل نری بالعیان وقوع المشاجرة» (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۳۹۳/۱).

نتیجه این مقدمات، لزوم نصب خاص است.

دلیل سوم: ادله نیابت عام در عصر غیبت، بر تعیین فقیه جامع شرایط از سوی ائمه علیهم‌السلام برای امامت جمعه دلالت دارد؛ چون مستفاد از ادله ولایت این است که آنچه برای عنوان امامت و شخصیت حقوقی امام ثابت است، برای فقیه جامع شرایط نیز ثابت است.

گفتار ششم: ادله اذن عام

برخی از فقهای که قائل به اذن عام از سوی ائمه علیهم‌السلام هستند، عبارت‌اند از: شیخ طوسی (۱۴۱۳: ۲۰۱/۱)، علامه حلی (۱۴۱۹: ۱۴/۲). از میان معاصران نیز می‌توان از محقق خویی نام برد (موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۵۱/۱). ایشان در این باره می‌فرماید:

«از نظر ما اقامه نماز جمعه در عصر غیبت جایز است؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام به نحو عام اجازه داده‌اند» (همان).

دلیل اول: بر اساس برخی روایات، ائمه علیهم السلام به اهالی روستاها اذن داده‌اند که چنانچه شرایط نماز جمعه وجود داشته باشد، از جمله اینکه کسی بتواند خطبه بخواند، نماز جمعه را برپا نمایند. بدیهی است که عنوان روستا در حکم مدخلیت ندارد، بلکه از باب قاعدهٔ مناسبت حکم و موضوع، مقصود هر مکانی است که تحقق شرایط نماز جمعه ممکن باشد و عنوان قریه از باب ذکر مصداقی است که احتمال تحقق شرایط در آن ضعیف است؛ از جمله این روایات:

«صحیحة محمد بن مسلم عن أحدهما قال: سألته عن أناس في قرية هل يصلون الجمعة جماعة؟ قال: نعم ويصلون أربعاً إذا لم يكن من يخطب» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰۶/۱۷، باب ۳، ح ۱).

به همین مضمون است صحیحہ فضل بن عبدالملک (همان: ح ۲) و موثقہ سماعه (همان: باب ۵، ح ۳).

تقریب دلالت: روایات از نظر سند بی‌اشکال‌اند و دلالت آن‌ها نیز بر مدعا تمام است؛ زیرا کلمه «نعم» در صحیحہ اول، و «جمّعوا» در صحیحہ دوم صریح است در جواز امامت جمعه برای هر کسی که توان اقامهٔ با شرایط از جمله خطبه‌خوانی را دارد. اشکال: مقصود سائل این است که آیا با عدم امکان جمعه، برگزاری نماز ظهر به جماعت صحیح است؟ امام هم فرموده است: بله. پس ربطی به جواز اقامه جمعه ندارد (طباطبایی بروجردی، ۱۳۶۲: ۳۴).

جواب: این اشکال و استظهارات دیگری که از روایات شده -مثل اینکه گفته شده روایات در مقام رد فتوای ابوحنیفه هستند که یکی از شرایط صحت نماز جمعه را اقامه شدن در شهرها دانسته است، نه در مقام اذن عام در امامت جمعه-، اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا روایات صریح‌اند در مدعا؛ به ویژه که جمله «یصلون أربعاً إذا لم يكن من يخطب» با واو عطف آمده است، پس معلوم می‌شود که امام علیه السلام در مقام بیان احکام نماز جمعه است نه ظهر.

دلیل دوم: برخی روایات به لسان‌های مختلف دلالت بر جواز بالمعنی الاعم نماز جمعه در عصر غیبت دارند؛ یا به لسان وجوب تعیینی، یا وجوب تخییری و یا رجحان جمعه بر ظهر. هر یک از این روایات، یا به دلالت مطابقی و یا به دلالت التزامی،

دلالت بر اذن عام دارند.

توضیح: اما روایات دالّ بر وجوب تعیینی پیش از این گذشت که دو حیثیت دلالت دارند: الف- اصل وجوب؛ ب- وجوب تعیینی. با ادله مختلف که قبلاً ذکر شد، حیث دوم تقییدی می‌شود که نتیجه، وجوب تخییری نماز جمعه است. پر واضح است که لازمه وجوب تخییری، اذن عام به همه مکلفان- دارای شرایط- برای امامت جمعه است؛ چون نماز جمعه بدون امامت صحیح نیست.

اما روایاتی که لسان آن‌ها از اول، تخییر و یا رجحان جمعه بر ظهر است نیز به دلالت التزامی دلالت بر اذن عام نسبت به همه مکلفان در اقامه جمعه دارند.

این استدلال پیش از این، در مبحث نقد ادله دالّ بر وجوب تعیینی به تفصیل گذشت و در آنجا گفته شد که پس از تقیید اطلاقات و تخصیص عموماً، نتیجه این است که مدلول این روایات، اذن عام ائمه علیهم‌السلام نسبت به اقامه نماز جمعه است.

دلیل سوم: دسته‌ای از روایات دلالت دارند بر اینکه هر گروهی که در روز جمعه پنج نفر یا بیشتر باشند، نماز جمعه را اقامه کنند؛ از جمله روایت منصور بن حازم: «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يجمع القوم يوم الجمعة إذا كانوا خمسة فما زادوا» (حرز عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۷. باب ۲، ح ۷).

به همین مضمون است روایت محمد بن مسلم (همان: ح ۱۱).

تقریب دلالت: در این روایت، امام عليه السلام هر گروه حداقل پنج نفری را که واجد شرایط نماز جمعه هستند، امر به اقامه جمعه فرموده است. بدیهی است اگر نگوییم که روایت صریح در اذن عام است، دست کم ظهور دارد در اینکه مسلمانان در عصر غیبت مجاز به اقامه نماز جمعه هستند، اعم از اینکه اذن خاص باشد یا نباشد. نتیجه: ائمه علیهم‌السلام به همه مکلفان، اذن عام در امامت و اقامه جمعه داده‌اند.

گفتار هفتم: علاج تعارض میان ادله اذن خاص و عام بنا بر قبول تعارض
روشن است که میان ادله اذن عام و خاص، تنافی و تعارض وجود دارد؛ زیرا به حسب ظاهر، مدلول التزامی هر یک، نافی مدلول مطابقی ادله دیگر است. از این رو ناگزیر باید این تعارض علاج شود. در این رابطه چند مبنا وجود دارد:

الف) گروهی از فقها جانب نصب خاص را برگزیده، بر این باورند که ائمه علیهم السلام در عصر غیبت فقط به فقهای جامع شرایط اجازه امامت جمعه را داده‌اند، ولی این فقیهان، دلیلی بر انحصار و عدم جواز امامت غیر فقیه اقامه نکرده‌اند؛ از باب نمونه، علامه حلی پس از بحث از اینکه امامت جمعه از شئون و مناصب امامت است و در نتیجه، شرط صحت نماز جمعه، حضور امام علیه السلام است، می‌فرماید:

«در عصر غیبت نیز این شرط محقق است؛ زیرا فقیه مورد اطمینان از سوی امام برای امامت جمعه نصب شده است» (۱۴۱۴: ۲/۲۵۳).

بسیاری از فقهای پس از علامه نیز شبیه همین استدلال را پذیرفته‌اند (برای نمونه ر.ک: عاملی جزینی، ۱۴۱۷: ۱/۱۸۶؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۱/۲۳۱؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱/۴۱۴؛ کرکی عاملی، ۱۴۰۴: ۲/۳۷۵).

ب) گروهی از فقها جانب اذن عام را برگزیده و اشاره به تعارض و تنافی آن با ادله اذن خاص نکرده و نیز دلیلی بر ترجیح ادله اذن عام اقامه نکرده‌اند.

ج) به نظر می‌رسد میان ادله اذن خاص و عام، تنافی و تعارض مستقری که نیاز به ترجیح یک طرف و اسقاط طرف دیگر باشد، وجود ندارد، بلکه تعارض بدوی و ظاهری است؛ زیرا ادله اذن خاص از سوی ائمه علیهم السلام، ناظر به شرایط و زمان خاص است که عبارت است از عصر بسط ید فقیه و برخورداری او از اقتدار اداره جامعه و مطاع بودن امرش و حتی چه بسا مثل عصر ما که در رأس حکومت نیز قرار گرفته باشد. ادله اذن عام نیز ناظر به زمان‌هایی است که فقهای جامع شرایط مقبوض الید هستند. در این شرایط ائمه علیهم السلام فرموده‌اند که هر قوم و گروه بیش از پنج نفر که شرایط نماز جمعه را واجد باشند، از جمله اینکه یک نفر قادر بر خواندن خطبه باشد، جایز است که نماز جمعه را اقامه کنند. شاهد بر این جمع عبارت است از:

الف) روایات دالّ بر ولایت فقیه: از این روایات استفاده می‌شود که اذن خاص ناظر به عصر بسط ید فقیه، و اذن عام ناظر به عصر قبض ید اوست. تفصیل بحث در مبحث ادله اثبات اختیارات ولایت فقیه است مبنی بر اینکه آنچه برای عنوان امامت معصوم علیه السلام ثابت است، برای ولی فقیه جامع شرایط نیز ثابت است.

ب) فهم بسیاری از فقها: که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- امام خمینی در تحریر بر تخییری بودن نماز جمعه تصریح کرده است:
«تجب صلاة الجمعة في هذه الاعصار مخيراً بينها وبين صلاة الظهر» (موسوی خمینی،
۱۴۲۱: ۲۱۸/۱).

ایشان در *استفتائات* و موارد دیگر تصریح کرده است که منصب امامت جمعه از مناصب ولی فقیه است و کسی بدون نصب نمی‌تواند تصدی کند (همو، ۱۳۸۹: ۴/۱۰). به حسب ظاهر میان این دو نظر تعارض و تنافی است، ولی به نظر نگارندگان تعارض نیست؛ زیرا جمله «فی هذه الأعصار» در تحریر، اشاره به عصر عدم قدرت و قبض ید فقهاست، چون تحریر پیش از انقلاب و در ترکیه نوشته شده است و تاریخ *استفتائات* و صدور حکم امامت جمعه شهید مدنی - که در آن‌ها تصریح شده به اینکه امامت جمعه منصب ولی امر است که لازمه‌اش اذن خاص است - مربوط به پس از انقلاب است. پس اولاً هیچ گونه تناقض و تعارضی در کلام امام نیست تا جمع کنیم و بگوییم که تحریر مقدم است و ثانیاً معلوم می‌شود که ادله اذن عام، ناظر به قبض، و ادله اذن خاص، ناظر به بسط ید فقهاست.

۲- محقق همدانی بر این باور است که مستفاد از ادله نماز جمعه وجوب تخییری است. با این وصف می‌فرماید:

«اگر ادله نیابت فقیه نسبت به نماز جمعه، عموم و شمول داشته باشد، باید قائل به وجوب عینی نماز جمعه شویم؛ همان گونه که در موارد نصب خاص در عصر حضور قائل می‌شویم» (همدانی، ۱۴۱۶: ۴۴۳).

از بیانات ایشان استفاده می‌شود که وجوب تخییری در فرض عدم تصدی فقیه جامع‌الشرایط و مبسوط‌الید است.

۳- شهید صدر می‌فرماید:

«نماز جمعه در صورتی که سلطان عادل نباشد، وجوب تخییری ابتدایی دارد» (صدر، ۱۴۰۳: ۳۹۶، مسئله ۵۰).

ایشان در مسئله ۴۹ می‌فرماید:

«اقامه جمعه با وجود سلطان عادل که عبارت است از امام معصوم و یا نماینده او، وجوب حتمی و عینی دارد» (همان: مسئله ۴۹).

آنگاه در ذیل مسئله، سلطان عادل را تفسیر می‌کند به شخص یا اشخاصی که حکومت را از راه مشروع به دست گرفته و اقامه عدل می‌کنند.

از تفصیل ایشان - که با نبود سلطان عادل، نماز جمعه واجب تخییری است و با حضور سلطان عادل که مصداقش طبق نظر ایشان فقیه جامع‌الشرایط مبسوط‌الید می‌باشد، وجوب حتمی است - به وضوح مدعای فوق روشن می‌شود.

۴- آیه‌الله سیدکاظم حائری نیز بر همین نظر شهید صدر تأکید می‌کند و در پاسخ به این سؤال که شما حضور سلطان عادل را شرط می‌دانید، آیا به این معناست که زمان بسط ید باشد؟ می‌فرماید:

«بله، سلطان عادل معنایش بسط ید است، معنایش این است که حکومت باشد» (حائری، ۱۳۸۳: ۶۷).

ایشان در سؤال‌های بعدی تصریح می‌کند که در غیر عصر بسط ید فقیه، حکم نماز جمعه واجب عینی نیست، بلکه تخییری است (همان: ۶۸ و ۷۰).

۵- آیه‌الله منتظری نیز یکی از احتمالات شرط حضور امام و یا منصوب امام را این می‌داند که در عصر بسط ید فقها، اقامه جمعه از شئون و مناصب فقهای مبسوط‌الید است و اقامه آن بر آن‌ها نیز واجب است (طباطبایی بروجردی، ۱۳۶۲: ۱۷، پاورقی).

وظیفه ولی فقیه نسبت به نماز جمعه

فقهای مبسوط‌الید، نسبت به نماز جمعه دو وظیفه دارند:

الف) جواز تصدی امامت جمعه مباشرتاً، به دلیل وجود اذن خاص.

ب) تشکیل نهادی با هدف تکفل امور مرتبط با نماز جمعه، به دلایل زیر:

اولاً: مفهوم واگذاری امر نماز جمعه از سوی ائمه به فقها این است که تکفل امور نماز جمعه و اقامه آن در بلاد تحت تصرف فقیه، بر عهده اوست. طبعاً انجام چنین وظیفه خطیر و سنگینی نیازمند تشکیلات است و بدون آن، اقامه جمعه در بلاد مختلف ممکن نیست. به فرموده آیه‌الله سیدکاظم حائری، وجوب برپا کردن نماز جمعه بر عهده حکومت اسلامی است (حائری، ۱۳۸۳: ۶۹).

ثانیاً: از باب عنوان ثانویِ جلوگیری از هرج و مرج، به هم‌ریختگی و اختلاف و

نزاع بر سر امامت جمعه، ایجاد تشکیلات مورد اشاره لازم است؛ به ویژه اینکه تنافس و علاقه به امامت جمعه زیاد است.

ثالثاً: ممکن است بگوییم مقصود کسانی که نماز جمعه را در عصر بسط ید فقها، واجب عینی می‌دانند، وجوب اقامه از سوی فقهای مبسوط‌الید است، نه اینکه بر هر فرد مکلف به جای اقامه ظهر، اقامه جمعه واجب باشد؛ هرچند با تشکیل نماز جمعه، شرکت از سوی مکلفان واجب باشد، همان گونه که بسیاری از فقهای معاصر از جمله شهید صدر بر این باورند (صدر، ۱۴۰۳: ۳۹۶، مسئله ۵۰).

وظایف تشکیلات نماز جمعه: این تشکیلات وظایف مهمی را بر عهده خواهد داشت که هر یک نقش ولایت فقیه را نسبت به نماز جمعه به خوبی نشان می‌دهد و در ادامه، به برخی از این محورها که در بیانات و نوشته‌های امام راحل و مقام معظم رهبری مورد تأکید واقع شده، اشاره می‌شود:

الف- غنا بخشی به ابعاد مختلف علمی اعم از فقهی، تاریخی، سیاسی.

ب- تشکیل دوره‌های مهارت‌آموزی در ارتباط با مدیریت مسجد و مصلی و ارتباط با مردم؛ زیرا امروز ثابت شده که مدیریت ائمه جمعه و جماعات در زمره مشکل‌ترین مدیریت‌هاست.

ج- نظارت همه‌جانبه و مستمر.

د- از جمله وظایف مهم این تشکیلات، جهت‌دهی به امامان جمعه و یادآوری مطالب و نکات بایسته طرح در خطبه‌های نماز جمعه است که به اهم آن‌ها با تکیه بر بیانات و مکتوبات حضرت امام و مقام معظم رهبری اشاره می‌شود:

۱. یادآوری ابعاد معنوی و عبادی نماز جمعه (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۲۱/۳، ۲۶۵/۸، ۱۳۲/۱۱، ۱۲/۱۷ و ۱۲۱، ۲۷۶/۱۸، ۱۲۷/۲۰؛ سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۶/۲۸، ۱۳۸۱/۵/۵ و ۱۳۸۱/۷/۱۵).

۲. بعد وحدت‌آفرینی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱۸/۱۰، ۱۵/۱۱ و ۱۳۲، ۱۲۴/۱۳ و ۱۵۵، ۲۷۳/۱۵، ۱۵۶/۱۶، ۲۳۸/۱۸، ۱۴/۱۹، ۶۹ و ۱۷۰، ۲۰/۲۰ و ۱۰۳؛ سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۷).

۳- سیاسی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱۹/۱، ۱۲۰/۳ و ۱۲۱، ۲۵۹/۷، ۲۶۳/۱۷؛ سخنرانی مقام

معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۱۵).

- ۴- تعامل با مردم، مجلس، دولت، به ویژه روحانیت (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵۱/۱۸، ۲۵۶/۱۹؛ سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۶/۲۸ و ۱۳۷۳/۶/۲۱).
 - ۵- رعایت زنی صالحان (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲۲۲/۱ و ۹۷/۴ و ۱۳۷، ۲۵۷/۱۵، ۱۵۶/۱۶، ۵۳/۱۷ و ۲۶۲، ۱۳/۱۹ و ۱۵۷؛ سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۶۹/۳/۷ و ۱۳۷۱/۶/۳۱).
 - ۶- ارشاد مردم (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱۰/۱۶؛ همو، ۱۴۲۱: ۲۲۱/۲۱).
 - ۷- دشمن شناسی و شناخت توطئه‌های او (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳۲/۱۱، ۱۲۴/۱۳ و ۲۲۲، ۲۶۳/۱۷، ۱۲۷/۲۰؛ سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۶/۲۸).
 - ۸- آشنایی مردم با وظایف (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱۸/۱۰ و ۲۴۵/۱۲، ۱۸۵ و ۶۹/۱۹ و ۱۷۰؛ همو، ۱۴۲۱: ۲۲۱/۱).
 - ۹- جذب جوانان (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۲۵ و ۱۳۷۱/۶/۳۱).
 - ۱۰- بیان علل انحطاط کشورهای مسلمان (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۷/۱۷، ۱۳۷ و ۱۴۲).
- آنچه بیان شد، برخی از محورهایی است که مورد تأکید حضرت امام و مقام معظم رهبری بوده است. خوشبختانه از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه تشکیل شده است و کارهای بسیار مثبتی انجام داده‌اند که شایسته تقدیر است، لکن کارهای زیادی هنوز بر زمین مانده است. از جمله محورهای مهم که بیشترین تأکید را داشته، محور وحدت بوده است. ولی باید دلسوزانه عرض شود که برخی از نمازهای جمعه نه تنها موجب وحدت نیست، بلکه سبب تفرقه و اختلاف است و بر خلاف فرمایش امام رضا علیه السلام که می‌فرماید: «جمعه مشهد عام است»، مشهد خاص شده است و فقط جناح خاصی شرکت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

پس از طرح مسئله و تبیین نقش ولی فقیه در نماز جمعه، نتایج زیر حاصل شد:

در گفتار اول، اقوال فقها درباره اینکه امامت جمعه، منصب امام علیه السلام است و با نصب امام مشروعیت پیدا می‌کند، بررسی و ثابت شد که منصب شخصیت حقوقی امامت است، نه منصب شخصی امام علیه السلام؛ پس در عصر غیبت برای ولی فقیه هم ثابت است.

در گفتار دوم، ادله منکران منصب، نقد و بررسی شد. در گفتار سوم، ادله قائلان به نصب خاص به تفصیل نقد و بررسی شد. در گفتار چهارم، منصب عام بودن امامت جمعه و ادله آن بیان شد. در گفتار پنجم و ششم ثابت شد که ائمه علیهم السلام در عصر حضور به برخی از اصحاب اذن خاص، و در عصر غیبت اذن عام برای اقامه جمعه داده‌اند و در گفتار هفتم، ضرورت تأسیس تشکیلاتی که متولی نماز جمعه و امامان جمعه در مراحل شناسایی، نصب، عزل و نظارت بر آنان باشد، ثابت شد.



کتاب شناسی

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن فهد حلی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳. ابوصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، *الکافی فی الفقه*، تصحیح رضا استادی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.
۴. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحلائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۵. حائری، سیدکاظم، «نماز جمعه در حکومت اسلامی» (گفتگو)، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۷. سلار دیلمی، ابویعلی حمزة بن عبدالعزیز، *المراسم العلویة فی الاحکام النبویه*، تحقیق سیدمحسن حسینی امینی، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۸. سیوری حلی (فاضل مقداد)، جمال الدین مقداد بن عبدالله، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۹. صدر، سیدمحمدباقر، *الفتاوی الواضحه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الهدایة فی الاصول والفروع*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۴ ق.
۱۲. طباطبائی بروجردی، سیدحسین، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر*، تقریر حسینعلی منتظری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد، *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *کتاب الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *رسالة فی صلاة الجمعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. همو، *مختلف الشیعة فی احکام الشریعه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. همو، *نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. فخرالمحققین حلی، ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق.

۲۱. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. محدثی، جواد، «نماز جمعه در نگاه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۲۳. مقام معظم رهبری، «نماز جمعه فریضه ای عبادی - سیاسی» (سخنرانی)، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ق.
۲۵. همو، صحیفه نور، چاپ پنجم، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تقریر میرزا علی غروی تبریزی، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. همو، المستند فی شرح العروة الوثقی (موسوعة الامام الخوئی)، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۲۸. موسوی عاملی، سیدمحمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعه، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. همدانی، آقارضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، قم، مؤسسة الجعفریة لاحیاء التراث و مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.